

بررسی فقهی وقف پول و آثار اقتصادی آن (با تاکید بر فقر و اشتغال)

تقی ابراهیمی سالاری

استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری

واقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد سید حسینی*

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

با در نظر گرفتن شرایط کنونی جامعه که افزایش اختلاف طبقاتی به رشد محرومیت در اقشار جامعه منجر شده است و با توجه به تاثیر نهاد عظیم وقف در رفع این گونه مشکلات، لازم است موضوعات جدیدی همچون وقف پول مجال بیشتری برای مطالعه و بررسی داشته باشند.

هدف این مقاله بررسی دیدگاه‌های فقهی و نظری و تحلیل فواید و آثار وقف پول است. با نگاهی به سیر تاریخی مقوله وقف و تاریخچه پر افتخار آن در برخی جوامع و افول تدریجی آن در برخی دیگر، لزوم بررسی دلایل این امر آشکارتر می‌شود. تحقیق در این مقاله سعی می‌شود وقف پول بر اساس روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و همچنین مقالات معتبر داخلی و خارجی، مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج حاصل از تحقیق که مبتنی بر تحلیل نظری است، نشان می‌دهد وقف پول امکان‌پذیر است و با موازین دینی منافات ندارد. از طرف دیگر نتایج تحقیق نشان می‌دهد می‌تواند نقش مهمی در کاهش فقر و گسترش مشاغل در جامعه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: وقف، پول، فقر، اشتغال

طبقه‌بندی JEL: I30, J62, O23, Z0, Z12

Sm.Sh 65@gmail.com

*- (نویسنده مسئول):

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۵

Jurisprudential Study of Cash Waqf and It's Economic Impacts (Emphasize on Poverty and Employment)

Taghi Ebrahimi Salari

*Assistant Professor of Economics in
Ferdowsi University of Mashhad*

Seyyed Mohammad Seyyed Hosseini
*MA student in Economics, Ferdowsi
University of Mashhad*

Abstract

Considering the present situation of the society that increasing inequality led to deprivation progression and according to impact of huge institution of waqf (endowment) at resolving such problems, it is necessary to make an opportunity that new subject such as cash waqf being studied and examined. The aim of this paper is to study the theoretical and jurisprudential views and analysis the benefits of cash waqf. looking at the historical trend of the term of cash waqf and it's honorable history in some societies and fading out at the others, the necessity of examination of this subject is getting more outstanding. Based on analytical - descriptive methods and by Using of documents and library resources as well as domestic and foreign papers, cash waqf is going to be explored in this paper.

The results of this research that are based on theoretical analysis show that cash waqf is possible and it is not in contrast with religious principles. As well as, the results show that cash waqf would have important role on poverty reduction and jobs development in society.

Keywords: Waqf, Cash, Poverty, Employment

JEL: I30, J62, O23, Z0, Z12

مقدمه

شواهد تاریخی حاکی از آن است که وقف نقشی محوری در توسعه از ابعاد مختلف آموزشی، اجتماعی و اقتصادی ایفا نموده است (سلیمی فر، ۱۳۸۷: ۱۱۱). در تأثیر وقف پول بر بهبود شرایط اقتصادی می توان این طور بیان کرد که منظور این نیست که وقف به تنهایی می تواند همه ابعاد گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد بلکه وقف می تواند به عنوان یک سرمایه عظیم مالی در

این راستا نقش اساسی داشته باشد. حقیقت این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم اوقاف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب شرعی و قانونی در فرآیند فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود و از مایه خرج کردن به حالت تحرک و زبایی هدایت نمود تا هم به رشد توسعه اقتصادی کشور کمک شود و هم روز به روز به سرمایه اوقاف افزوده گردد. مثلاً اقدامات آستان قدس در زمینه فعالیت‌های کشاورزی باعث توسعه و گسترش محصولات کشاورزی و دامپروری و دامپروری نمونه طرق یا شرکت کشت و صنعت اسفراین و یا مواردی از این قبیل اشاره کرد (حائری، ۱۳۷۸: ۴۱۸ و ۴۱۵). به دلیل تعاریف محدود از وقف، امکان گسترش دایره‌ی آن و تجهیز بسیاری از دارایی‌های مالی در قالب آن ناممکن شده است. بنابراین، بایسته است که همراه با تحول اوضاع و شرایط و مقتضیات زمان و مکان، مسائل جدیدی همچون وقف پول مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد. به منظور تجدید حیات سازمان اوقاف باید روش‌های جایگزینی ایجاد شود. چرا که همه مردم ممکن است توانایی مالی لازم برای وقف زمین یا ساختمان را نداشته باشند. از این رو ایجاد نهادهای وقف نقدی یکی از راه‌کارهایی است که باید احیا گردد تا همه مردم صرف نظر از هر مقدار توانایی مالی بتوانند در این امر مهم شرکت نمایند (Ahmed, 2004: 127). با توجه به تحولی که در ماهیت پول رخ داده است و با عنایت به شرایط وقف و گستردگی شمول آن و همچنین با ملاحظه‌ی تاریخی که نشانگر خدمات وقف پول است، می‌توان موضوع وقف پول را مطرح کرد تا با فراهم آمدن زمینه‌های اجرایی و سازماندهی آن، خدمات گسترده‌ی این اقدام خداپسندانه به جامعه خصوصاً به محرومان برسد. بحث وقف پول در فقه اسلامی با عنوان «وقف الدرهم و الدنانیر» مورد توجه بوده است. از آنجایی که اموال وقفی بدون آنکه مخارج اضافی بر دولت تحمیل کنند، واگذار می‌شوند، فرصت اقتصادی بسیار خوبی برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود. از طرفی می‌توان وقف پول را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی خاص سوق داد. در بخش اول این مقاله به امکان‌سنجی وقف پول پرداخته می‌شود و در بخش دوم به آثار اقتصادی آن پرداخته خواهد شد و در نهایت به ارثه‌ی پیشنهادات لازم در این زمینه ارائه خواهد شد.

۱. امکان سنجی وقف پول

تعریف وقف^۱

وقف در لغت به معنای ایستادن و درنگ کردن است (دهخدا، لغت نامه، ج ۴۸: ۲۳۴)، (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۳۵) و در اصطلاح، تحبیس و تسبیل مال را وقف گویند. بنابراین، عقد وقف عقدی است که به موجب آن فردی عین مال خود را تحبیس می‌کند و منافع آن را جهت صرف در راه‌هایی که مشخص می‌کند، رها نماید (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۵۳). علاوه بر این به معنای آگاه ساختن نیز آمده است. طریحی نیز برای بیان معنای لغوی آیهی کریمه‌ی «ولو تری اذ وقفوا علی النار» را شاهد آورده که همان مکث و درنگ کردن است (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۳۵). اغلب فقها وقف را حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت آن می‌دانند و مدرک تمامی آنها در تعریف وقف، حدیث نبوی ذیل است که پیامبر (ص) فرمود: *حَبَسَ الْأَصْلَ وَ سَبَّلَ الثَّمَرَةَ* (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، جلد ۳: ۲۸۶ و ابن ادریس، ۱۴۱۰، جلد ۳: ۱۵۲ و ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۶۹).

اما در بررسی روایات، چنین تعاریفی یافت نمی‌شود؛ حتی برخی نکات در روایات آمده است که می‌توان آن را مخالف ادعای فقها دانست. در ادامه به بررسی روایات می‌پردازیم.

در دو حدیث مرسل^۲ آمده است که پیامبر (ص) فرموده است: *«حَبَسَ الْأَصْلَ وَ سَبَّلَ الثَّمَرَةَ»* (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۶۰) یا *«حَبَسَتْ أَصْلَهُ وَ سَبَّلَتْ ثَمَرَتَهَا»* (میرزای نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۴۷). شاید نخستین افرادی که در شیعه، وقف را اینگونه تعریف کرده‌اند، با توجه به این دو حدیث مرسل بوده است یا گریته برداری از فقه اهل سنت بوده است. به هر حال تفاوتی بین این دو منشأ وجود ندارد، زیرا هر کدام منشأ این تعریف بوده‌اند، حجیت شرعی ندارد. در حدیث دیگری حضرت زهرا (س) اختیار موقوفاتی را به دست حضرت علی (ع) و پس از ایشان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌دهد که یکی از آن موقوفات «اموال ام ابراهیم» است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۹۸). با توجه به تصریح لغویان مبنی بر اینکه اصل مال، طلا و نقره است، (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴).

1- Waqf

۲- روایت مرسل: روایتی که برخی از راویان آن در سلسله سند ذکر نشده‌اند.

۳۷۳) حتی برخی لفظ مال را مختص به طلا و نقره دانسته‌اند؛ (عباس نجفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴) پس باید بخشی از موقوفات ام ابراهیم، طلا و نقره و پول باشد که به عنوان موقوفه در اختیار حضرت زهرا(س) قرار داشت. در روایت صحیحی دیگری آمده است که امام کاظم(ع) زمینی را وقف کرد و شرط کرد در صورت نیاز، آن را بفروشند و با پول آن، مشکل را برطرف سازند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۲۰۲). در روایت موثقه‌ای^۱ آمده است که امام صادق(ع) مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخش شود و پس از شهادت ایشان، در زمان‌های خاصی آن‌ها را انفاق کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۷۴).

تعریف وقف پول^۲

شماری از تعاریف برای وقف پول عبارتند از:

- ۱- وقف پول، وقف خیریه^۳ تأسیس شده با سرمایه پولی^۴ می‌باشد (Cizakca, 2004: 2).
- ۲- وقف پول، وقفی است که توسط فرد یا گروهی از افراد با موجودیت قانونی، در قالب پول صورت می‌گیرد (Masyita and coworkers, 2005: 3).
- ۳- وقف پول نوع خاصی از بخشش‌ها می‌باشد و از انواع وقف داری متمایز می‌باشد که این تفاوت به علت ماهیت اصل سرمایه وقف^۵ می‌باشد و به شکل وجوه نقدی^۶ (به شکل جزء و یا کل سرمایه‌ی وقف صورت می‌گیرد (Cizakca, 1998: 53).
- ۴- مناسب‌ترین تعریف وقف پول عبارتست از: "بسیج سرمایه وجوه^۷ از طرف اهدا کنندگان^۸ بر اساس مدت نامحدود یا ابدی و سرمایه‌گذاری آنان در دارایی‌های مولد که هم منافی از طریق استفاده عین فراهم می‌کند و هم درآمد و عایدی‌هایی در جهت مصارف آینده برای

۱- حدیث موثق: حدیثی که همه راویان آن راستگو هستند اما حداقل یکی از راویان آن غیر شیعه است.

- 2- Cash waqf
- 3- Charitable endowment
- 4- Cash capital
- 5- Asl al-mal or Corpus
- 6- Cash
- 7- Mobilization Funds
- 8- Donors

افراد یا گروه‌ها بر اساس خط مشی و سیاست در نظر گرفته شده توسط اهداکنندگان و دریافت کنندگان، فراهم می‌کند". این تعریف برای وقف پول، کامل‌ترین تعریف برگرفته شده بر اساس مفهوم شریعت^۱ از وقف و تأمین مالی می‌باشد (Lahsasna,2010: 104)

ماسیتا و همکارانش معتقد است که واقف، سرمایه پولی خود را از طریق فرد یا سازمانی که مسئول مدیریت سرمایه یا وجوه وقفی و توزیع سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن‌ها را بر عهده دارد^۲، به موقوف علیه^۳ اهدا می‌کند. تنها عایدی یا منفعت حاصل از سرمایه وقف شده (وجوه وقفی) به موقوف علیه می‌رسد و اصل سرمایه وقف مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود (Masyita and coworkers,2005: 2).

تعریف پول

هر چیزی که بهای کالا و خدمات قرار گیرد در اصطلاح فقهی، ثمن (پول) شمرده می‌شود. برخی از فقها در تعریف بیع صرف، منظور از ثمن را بیان کرده اند:

علامه حلی گفته است: صرف، بیع ثمن‌ها با ثمن هاست و ثمن همان طلا و نقره است (حلی، جلد ۱: ۵۱۰). محقق اردبیلی نیز پس از بیان همین تعریف گفته است: ثمن اعم از طلا و نقره‌ی مسکوک و غیر مسکوک می‌باشد. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جلد ۸: ۳۰۱).

مفهوم اقتصادی پول بسیار متفاوت از تعریف عمومی آن است. حجم پول آثار کاملاً بارزی در اقتصاد دارد و بر نرخ تورم، بهره، بیکاری و تولید تأثیر گذار است. در مفهوم اقتصادی، پول واحدی برای اندازه‌گیری تولید اقتصادی و نیز واحدی برای ذخیره ارزش اقتصادی می‌باشد. پول رایج باید پنج ویژگی داشته باشد: (۱) مورد قبول عموم باشد (۲) بادوام باشد (۳) استفاده از آن آسان بوده و قابل تقسیم باشد (۴) دارای ارزش ثابت باشد و (۵) تولید آن محدود باشد (دانشنامه‌ی آزاد اینترنتی ویکی‌پدیا - تعریف پول). در تعریف پول (یا حجم پول در اقتصاد کلان) معمولاً گفته می‌شود که پول عبارت است از آن چیزی که در داد و ستد و مبادله مورد قبول عموم افراد جامعه

1- Shariah

2- Nadzir

3- Mauquf^{alaih}

باشد. بدین لحاظ تعریف رایج حجم پول در اقتصاد کلان به صورت زیر است (رحمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۷):

$$M = CU + DD$$

که در آن M حجم پول، CU اسکناس و مسکوک در دست مردم و DD سپرده‌های دیداری (سپرده‌های بانکی که با صدور چک قابل برداشت یا قابل انتقال به دیگران باشد) می‌باشد.

۴-۱. مالیت پول

مالیت اشیاء از رغبت‌های مردم به آنها برخاسته می‌شود و رغبت مردم به اشیاء، تابع خواص و منافع آنها است. نظر مشهور فقهی این است که پول دارای مالیت است. در اینجا پاره‌ای از این دیدگاه‌ها بیان می‌شود:

- مطهری درباره‌ی مالیت داشتن اسکناس می‌نویسد: «قابلیت پول برای اینکه به وسیله‌ی آن اموال دیگر کسب شود، صفتی است که موجب ارزش پول شده است. درست است که ارزش برای بدل است ولی وجود همین استعداد تبدیل در پول، موجب ارزش پول است؛ یعنی صاحب پول از همین خاصیت پول منتفع می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۷۷).

- پول بالاترین مال‌هاست، زیرا می‌توان در برابر آن هر مالی را به چنگ آورد. در فقه نیز با آن همچون مال رفتار می‌شود و احکام مال را بر آن مترتب می‌داند (حیدری، ۱۳۷۶: ۴۲ و ۴۱؛ نظر سیدحسین شمس)

- پول مال است و حواله نیست. مال هم ممکن است کالا باشد و هم ممکن است پول باشد و به هر دو مال گفته می‌شود. چنانچه مقصود از مال معنی مصرفی آن باشد، کالا است و اگر مقصود از مال معنی تبادلی و معاوضه‌ای آن باشد، پول است (ایزد پناه، ۱۳۷۵: ۲۰؛ نظر حاج شیخ محمد مهدی آصفی).

آیت‌الله‌خویی می‌نویسد: تمامی پول‌های کاغذی از قبیل دینار عراقی یا لیره‌های انگلیسی یا دلارهای آمریکایی یا ریال‌های ایرانی و امثال این‌ها مالیت دارند، زیرا از طرف هر یک از دولت‌ها نسبت به پول‌های کاغذی خود، قیمتی معین شده که در تمام مملکت مورد قبول و رایج است و بدین جهت مالیت پیدا نموده است و هر موقعی بخواهند از اعتبار و مالیت ساقط می‌نمایند (خویی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۵، مسئله ۲۸۴۳). به نظر می‌آید جامع‌ترین بیان درباره مال این است که هر چیزی که

در نظر عرف و عقلا مطلوبیت داشته، در نتیجه برای آن تقاضا ایجاد گردد و از منفعت کمیابی نسبی برخوردار باشد، مال محسوب می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۷: ۱۴۴-۱۴۵). آنچه از رفتار عرف در خصوص پول کاغذی و تحریری و غیره قابل مشاهده است، این است که این نوع پول‌ها در نظر آن‌ها پدیده‌ای است دارای مطلوبیت که در نتیجه برای آن‌ها نزد عرف تقاضا به وجود می‌آید و نیز از صفت کمیابی نسبی برخوردارند و مردم در دستیابی به آن‌ها با هم به رقابت برمی‌خیزند و بهترین محصول تلاش خود، از قبیل گندم و سایر مصنوعات صنعتی را با آن مبادله می‌کنند. این‌ها همه حاکی از آن است که همین پول‌های کاغذی در نظر عرف مال است و تعریف مال بر آن صدق می‌کند. از جهت دیگر عرف و عقلا یک نوع ارزش مبادله‌ای را در پول کاغذی جعل و اعتبار کرده‌اند و این بدین خاطر است که همه دارندگان پول کاغذی این احساس را دارند که واجد و صاحب شیء ارزشمندی هستند که می‌توانند به وسیله آن، انواع مختلف کالاها و خدمات تولیدی با ارزش را به دست آورند. این نگرش و نظر به پول کاغذی بدان معناست که پول قادر به ذخیره ارزش مبادله‌ای می‌باشد. وقتی پول بتواند ارزش مبادله‌ای را ذخیره کند، مال است؛ زیرا ممکن نیست مدعی شد که پول ارزش مبادله‌ای را ذخیره می‌کند، در عین حال آن را مال ندانست، چرا که ارزش مبادله‌ای همان مالیت است (یوسفی، ۱۳۷۷: ۱۴۵-۱۴۷).

همچنین اسکناس، چک‌های تضمین شده، سهام بی نام شرکت‌ها و اسناد تجاری «اعم از برات، سفته، چک‌های در وجه حامل» گرچه کاغذ و مواد متشکله این اسناد ارزش درخور توجه ندارند، لکن چون دلیل وجود یک حق مالی است که به متصرف آن برگ تعلق دارد، قابلیت داد و ستد را داراست و به عنوان کالای ویژه با سایر کالاها و خدمات مبادله می‌شود. در نتیجه این دسته از اسناد را نیز باید از جمله اموال منقول به حساب آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۸).

نوع مالیت در مورد پول‌های جدید «کاغذی و تحریری» کمی دقیق و پیچیده است؛ زیرا دو نوع احتمال در این نوع پول‌ها داده می‌شود:

۱- مثل تمبر که فایده‌ای همانند واسطه مبادله از طرف عرف و عقلا یا دولت برای آن اعتبار گردد. در نتیجه مردم آن را در مبادلات به کار می‌گیرند و چون از صفت کمیابی نسبی هم برخوردار است، مردم حاضرند برای به دست آوردن آن، از اشیاء ارزشمند خود صرف نظر کنند. از این نوع رفتار مردم برای پول‌های فعلی مالیت انتزاع می‌شود، یعنی هم به نظر می‌آید تاریخ شکل‌گیری پول کاغذی انتزاعی بودن مالیت پول‌های فعلی را تایید کند؛ زیرا پول کاغذی در ابتدا

مال نبود؛ اما دارای فایده واسطه مبادله بود، چون از صفت کمیایی نسبی برخوردار شد، عرف و عقلا آنرا به نحوی به کار گرفتند که به مرور از نحوه به کارگیری آن‌ها، برای پول‌های کاغذی مالیت انتزاع شد.

۲- از همان ابتدا توسط عقلا یا نهادی مثل دولت برای کاغذ پاره‌ای رنگی مالیت عامی اعتبار گردد و در پی آن پاره رنگی به عنوان پول در مبادلات به کار گرفته شود. هر چند جریان این وجه در مورد پول کاغذی مشکل به نظر می‌رسد، اما می‌توان گفت که پول‌های تحریری (ارزش مبادله‌ای اعتباری عام) از نوع دوم هستند. بنابراین مالیت پول کاغذی و اسکناس انتزاعی و مالیت پول تحریری، اعتباری است.

۱-۵. تاریخچه وقف پول

ریشه‌های نخستین اوقاف پول در اسلام احتمالاً به قرن هشتم می‌رسد. زمانی که از امام زفر وظیفه‌ی چنین وقف‌هایی پرسیده شد و او پاسخ داد که مجموعه‌ی اوقاف باید به صورت مضاربه به پیمانکاران واگذار شود. طرح چنین پرسشی نشان می‌دهد که در آن زمان چنین اوقافی وجود داشته است (چیزاکا^۱، ۱۳۸۳: ۱۲). در جهان اسلام از قرن ۸ تا ۱۵ در دانش تاریخ اوقاف، شکاف عمیقی پدید آمد، در نتیجه نمی‌دانیم که پیدایش دوباره‌ی اوقاف پول از تاریخ اروپا تاثیر پذیرفته یا در تداوم تاریخ گذشته‌اش بوده‌است. این وقف از اوایل قرن ۱۵ میلادی از سوی دادگاه‌های عثمانی مورد تایید قرار گرفت (Torman, 2004: P6) و شیخ الاسلام ملا خسرف که بزرگترین مرجع دینی در دولت عثمانی به شمار می‌رفت این وقف را تایید کرد. این اوقاف در بسیاری از کشورها وجود داشته است. از جمله قانون مصر در سال ۱۹۴۶ میلادی وقف اموال منقول را مجاز دانست. همچنین طبق ماده‌ی ۱۵ قانون لبنان (۱۹۴۷) وقف مال و ملک منقول و سهام شرکت‌هایی که منافع و بهره‌برداری از آنها شرعاً جایز است، مباح می‌باشد (Ahmed, 2004: P42) (عباسی، ۱۳۸۵: ۳۸).

چیزاکا اقتصاددان ترک در مقاله خود به نام «اوقاف در تاریخ» می‌نویسد: «اوقاف پول در

بیشتر کشورهای اسلامی وجود دارد» وی برای اثبات وجود وقف پول در آسیا و آفریقا خصوصاً کشورهای ترکیه، مصر، عراق، ایران، سودان و بنگلادش منابعی را ذکر می‌کند. چیزا کا می‌نویسد: اوقاف پول در منطقه‌ی اورال- ولگا مشاهده شده‌است. در هند و پاکستان در نظر است که اوقاف پول قانونی گردد. در عراق فتوایی این وقف را مجاز می‌داند. اوقاف پول در کشورهای مالایی زبان نیز وجود دارد و در سنگاپور ۳۸ درصد کل اوقاف را تشکیل می‌دهد (چیزا کا، ۱۳۸۳: ۱). اخبار وقف پول در رسانه‌های جهان وضعیت و اهمیت آن را نشان می‌دهد. مایر در «یادمان‌های تاریخی در شهرهای بوسنی و هرزگوین» می‌نویسد: موستار^۱ مرکز ناحیه‌ی هرزگوین، شهری است که فعالیت‌های ساختمانی‌اش با پول وقف شده ایجاد شد (کسای، ۱۳۸۴: ۲۱). بانک اوقاف و بانک املاک در ترکیه نیز زیر نظر تشکیلات اوقاف آن کشور در امور فرهنگی و هنری سرمایه‌گذاری کرده و فعالیت‌های گسترده‌ای از جمله انتشار کتاب، برپایی سمینار و نمایشگاه، ساخت فیلم، بزرگداشت مولوی، تاسیس کتابخانه و حفاظت از میراث فرهنگی داشته است (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا). در هند، سهروردی، عالم هندی، بحثی دقیق در خصوص وقف پول در سال ۱۹۹۱ ارائه نمود. در ایران آستان قدس رضوی سهم‌هایی در مجموعه‌های مختلف صنعتی خریداری کرده است و با این اقدام اوقاف پول را تاسیس کرد. دولت ایران در ۱۷ مه ۱۹۸۶ این اقدام (خرید سهام) را مجاز دانسته است.

۶-۱. بررسی دیدگاه فقها در مورد وقف پول

بعضی دارایی‌های منقول مانند اثاثیه‌ی منزل، کتاب، حیوانات و مزرعه از جمله دارایی‌هایی هستند که جزء موقوفات به شمار آمده‌اند اما پول همیشه به عنوان یک موقوفه‌ی مورد اعتبار در نظر گرفته نشده‌است (Keles, 2001: 190). وقف پول وقفی است که موقوفه در آن پول نقد می‌باشد. در ابتدا، در تقسیم‌بندی موقوفه شرط غیر منقول بودن باید برقرار باشد (Mandeville, 1979: 290). مال موقوفه، عین مجبوسه‌ای است که احکام وقف بر آن جاری می‌گردد و بر اساس نظر فقهای امامیه باید دارای این شرایط باشد: ۱- عین باشد (نه دین با منفعت) ۲- قابل تملک باشد ۳-

1- mostar

قابلیت بقاء در برابر انتفاع داشته باشد ۴-بتوان آن را به قبض موقوف علیهم داد (خمینی، ۱۰۴۸ق، ج ۲: ۷۰).

تنها ایراد اساسی که در وقف پول ممکن است مطرح شود این است که وقف پول با شرط سوم یعنی قابلیت بقاء در برابر انتفاع، منافات دارد و این نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد که آیا به درستی پول با انتفاع از بین می‌رود؟ با توجه به این شرایط این سوال مطرح است که آیا درهم و دینار (پول) چنین شرایطی را دارند؟

برخی از مراجع تقلید در مورد وقف پول بیاناتی داشته‌اند که در ادامه به چند مورد آنها اشاره می‌شود:

امام خمینی (ره)

استفتاء: شخصی وصیتی نموده و دو نفر را به عنوان وصی و وکیل تعیین نموده و گفته است که بعد از مرگش مایملک او را وقف حضرت ابوالفضل نمایند و مایملک او عبارت است از یک باغ و مقداری پول نقد ولی فعلاً وکیل و وصی از اجرای وصیت عذر می‌آورند و می‌گویند چون ما با آن قریه‌ای که باغ در آن می‌باشد فاصله داریم لذا نمی‌توانیم از عهده برآیم با توجه به این [وظیفه ما چیست؟]

جواب: باید در باغ بر طبق وصیت عمل کنند و تبدیل جایز نیست و نسبت به پول وصیت به وقف باطل است (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، استفتاءات، ج ۲: ۴۴۵).

آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی (ره)

استفتاء: شخصی مبلغ یک هزار تومان وجه برای مسجدی وقف نموده و صیغه‌ی وقف هم خوانده شده آیا اجازه می‌فرمایید وجه مذکور را صرف بناء عَسَالِخَانَه بنماییم یا خیر؟
جواب: اگر مقصود وقف پول است صحیح نیست و اگر صاحب آن وصیت کرده که این مبلغ را صرف مسجدی بنمایند وصیت او صحیح است (گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، مجمع المسائل، ج ۲: ۳۴۹).

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

استفتاء: شخصی می‌خواهد دو میلیون تومان پول در یکی از بانک‌های جمهوری اسلامی ایران

به عنوان سپرده همیشگی بگذارد و اصل این پول را وقف مسجدی بنماید و از بهره بانکی آن خرج همان مسجد و روحانی مسجد و امثال آن بنماید، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟
 جواب: پول را نمی توان وقف کرد؛ ولی می توان به مسجد تملیک نمود و در این صورت مسجد مالک آن می شود و درآمد مشروع آن در مصارف مذکور در بالا صرف خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۴۳۵).

استفتاء: فقهای بزرگوار در تعریف وقف فرموده اند: «حِفْظُ الْعَيْنِ وَ تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ» با توجه به این که امروزه در اثر تحولات اساسی در اقتصاد کشور، پول رایج مملکت دارای جایگاه خاص خود می باشد و چه بسا بسیاری از اشخاص مایل اند بخشی از دارایی خود را برای منظور خیری وقف کنند، خواهشمند است راجع به سؤالات ذیل اعلام نظر فرمایید: آیا وقف وجه نقد، که در حساب سپرده ی بانک قرار گیرد و منافع آن در چارچوب بانکداری اسلامی می باشد، صرف اجرای نظر واقف شود جایز است؟

جواب: با توجه به اشکالی که فقها در وقف وجه نقد دارند، احتیاط آن است که در این گونه موارد از وصیت استفاده شود. یعنی شخص در حال حیاتش مبلغی را به بانک یا صندوق قرض-الحسنه بسپارد و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند (منوط به این که بیش از ثلث اموال نباشد یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه ی ورثه را در حال حیات بگیرد). (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۳۱۳).

از میان مراجع تقلید شیعه، تنها آیت الله سید صادق شیرازی وقف مالیت پول را صحیح می داند اما بقیه مراجعی که به مسئله وقف پول اشاره کرده اند، وقف پول به شیوه ای که بتوان پول های موقوفه را به مصرف رساند و جایگزین آن مبلغ دیگری قرار داد، نپذیرفته اند. این نتیجه گیری از پاسخ دفتر ایشان از طریق پست الکترونیک به سؤالات طرح شده زیر استخراج شده است. متن این سؤالات به همراه پاسخ آنها به قرار زیر می باشد:

با توجه به نبود دلیل شرعی صحیح بر «تحبیس الاصل»؛ لطفاً به پرسش های ذیل پاسخ دهید:

الف) در صورت اشتراط «تحبیس الاصل» ملاک عرف است یا خیر؟

ب) در صورتی که ملاک تحبیس الاصل، عرف باشد، اگر عرف با وجود تغییر پول ها، باز هم

بر این باور باشد که تحبیس الاصل محقق شده است، کفایت می کند؟

ج) آیا وقف پول، صحیح است؟

- (د) با فرض اینکه در وقف پول، کاغذها وقف نگردد، بلکه اعتبار یا قدرت خرید وقف گردد، وقف پول چه صورتی دارد؟
- (ه) آیا حبس پول، (حبس و عمری و سکنی که در برخی از کتب فقهی مطرح شده است، منظور است) صحیح است؟
- (و) با فرض عدم صحت وقف یا حبس پول، چه راه کارهای را پیشنهاد می کنید؟

آیت الله سید صادق شیرازی

جواب: الف) ملاک عرف است. ب) وقف پول مشکل است، ولی وقف مالیت عین بعید نیست. ج) مشکل است. د) از جواب «ب» معلوم می گردد. ه) وقف مالیت عین شود بعید نیست که صحیح باشد.

تذکر: تمامی استفتائات از طرف دفتر حضرت آیت الله العظمی سید صادق شیرازی پاسخ داده می شود. (۲۷/رمضان المبارک /۱۴۳۳ هـ).^۱

برخی از فقهای شیعه نیز با فرض وجود منفعت صحیح عرفی قائل به جواز وقف درهم و دینار شده اند که در پاره ای از عبارات ممکن است مشعر به تردد باشد:

شهید اول در دروس می فرماید: «یصح وقف الدرهم و الدنانیر إن کان لها منفعة حکمیة مع بقا عینها کالتحلی بها.» (شهید اول، ۱۴۱۴ ق، جلد ۲: ۲۶۹)

برخی از فقهای شیعه نیز با پذیرش وجود منفعت صحیح عرفی، وقف درهم و دینار را جایز دانسته است. از جمله:

علامه حلی در تحریر می فرماید: «الذهب و الفضة إن کان حلیا صح وقفه إجماعا. و إن کان الدنانیر أو الدرهم قیل: لا یصح لأن الانتفاع بها إنما یصح باخراجها، و لو قیل بالجواز لا مکان الانتفاع بها و لو فی شیء قلیل، کان وجهها» (حلی، ۱۴۲۱ ق، جلد ۳: ۳۱۲) «طلا و نقره اگر به صورت زیور آلات باشد، صحت وقف آن اجماعی است و اگر به صورت درهم و دینار باشد، وقف آن صحیح نیست؛ زیرا انتفاع از آن موجب تلف شدن آن می گردد؛ اما چون می توان از آن

1- <https://mail.google.com/mail/u/0/?shva=#\spam/۱۳۹۲f۴c۱a۴۲۱۱b۳۳>.

انتفاعاتی ولو اندک برد، بنابراین قول به جواز وقف درهم و دینار وجیه است». در یک دسته‌بندی کلی باید این گونه بیان کرد که فقهای شیعه در وقف پول و طلا و نقره دارای دو نظریه عمده هستند:

۱) عدم جواز وقف پول و طلا و نقره مطلقاً (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، جلد ۲: ۴۷۵ و ۴۷۹؛ فخر المحققین، ۱۳۸۸ق، جلد ۲: ۳۸۹؛ کاشانی، ۱۴۰۱ق، جلد ۳: ۲۰۸).

۲) جواز وقف پول و طلا و نقره به شرط وجود منفعتی که باعث از بین رفتن اصل نشود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، جلد ۳: ۲۵۰. مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جلد ۱۰: ۲۲. شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، جلد ۵: ۲۱۲. بحرانی، ۱۴۰۵ق، جلد ۲۱: ۶۱۰. نجفی، ۱۴۰۹ق، جلد ۲۷: ۳۰۲. طباطبایی یزدی، ۱۴۰۵ق، جلد ۵: ۹۹-۱۰۰؛ خمینی، ۱۴۲۲ق، جلد ۲: ۴۴۵؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، جلد ۲: ۳۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، جلد ۲: ۴۳۵ و جلد ۳: ۳۱۳)

قائلان دسته‌ی دوم در مقام شمارش منافع احتمالی پول و طلا و نقره نیز در تعیین برخی مصادیق اختلاف کرده‌اند، برخی این منافع احتمالی عبارتند از:

- تزئین؛ (مازندرانی، ۱۴۲۰ق: ۳۰۵)
- پوشش مردان و زنان؛ (حلی، ۱۴۰۴ق، جلد ۲: ۲۵۷)
- استفاده در ضرب سکه؛ (بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۱۰ق، جلد ۳: ۲۸۰)
- دفع خواری؛ (نجفی، ۱۴۰۹ق، جلد ۲۸: ۱۹)
- حفظ اعتبار؛ (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۵ق، جلد ۱: ۲۰۶)
- حفظ اعتبار به شرط اینکه اگر نیاز شد، تبدیل کنند. (تبریزی، ۱۴۲۶ق، جلد ۲: ۳۱۰)
- پشتوانه‌ی مالی؛ (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق، جلد ۱: ۴۵۷)

البته برخی فقیهان نیز به راه‌کاری در این مسئله ارائه کرده‌اند: «با توجه به اشکالی که فقها در وقف وجه نقد دارند، احتیاط آن است که در این گونه موارد از وصیت استفاده شود. یعنی شخص در حال حیاتش مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه بسپارد و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند. (منوط به این که بیش از ثلث اموال نباشد، یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه‌ی ورثه را در حال حیات بگیرد)» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، جلد ۳: ۳۱۳). لازم به یادآوری است در میان فقهای اهل سنت نیز چنین اختلاف‌هایی مشاهده می‌شود؛ چنان‌که ابوالسعود بن محمد عمادی افندی، (م ۹۸۲ق) مفتی روم در رساله‌ی وقف به صحت این وقف فتوا

داده است و محمد بن پیرعلی برکلی حنفی (م ۹۸۱ق) در سال ۹۷۹ق با نگارش رساله‌ی «عدم جواز وقف النقود» به نقد این فتوا پرداخته است (حاجی خلیفه، ۱۴۰۰ق، جلد ۱: ۲۱۴ و جلد ۲: ۱۰۱۷) همچنین علی چلبی بن امرئه بن عبدالقادر حمیدی رومی در رساله‌ی «وقف النقود» به بررسی این مسئله پرداخته است. (اسماعیل پاشا، ۱۹۵۱م، جلد ۱: ۷۴۸). اشکال عمده فقیهان در وقف پول، آن است که وقف به معنی «بازداشت ریشه و استمرار بهره» می‌باشد و از آنجا که پول جز برای تصریف و تغییر فایده‌ی دیگری ندارد، نمی‌تواند مصداق وقف باشد زیرا «حبس اصل» در آن شدنی نیست. در ادامه این جستار پس از بررسی مجدد تعریف وقف، به مستند آن اشاره می‌شود. دانشمندان شیعه و اهل سنت، تعریف‌هایی به مضمون هم بیان داشته‌اند که عبارت است از:

امامیه: شیخ طوسی، ابن ادریس، و یحیی بن سعید جزو نخستین کسانی‌اند که وقف را به «بازداشت ریشه و استمرار بهره» تعریف کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۸۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۵۲؛ حلی، ۱۴۰۵ق: ۳۶۹). ابن حمزه با بیان همان تعریف، قیدی بدان اضافه می‌کند و آنرا به «بازداشت ریشه و استمرار بهره در راهی نیک» معرفی کرده است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ۳۶۹ و ۳۷۰). و محقق حلی آنرا عقدی می‌داند که ثمره‌اش، بازداشت اصل و آزاد کردن منفعت است (محقق حلی، ۱۴۰۲ق: ۱۵۶ و محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۴۴۲):

حنفی: سرخسی وقف را «بازداشتن مملوک از تملیک دیگران» معرفی کرده است (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ۲۷) و ابن نجیم مصری آنرا «بازداشتن عین از ملک واقف و صدقه دادن بهره یا به مصرف رساندن برای هر کسی که دوست دارد» (ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۳۱۳؛ حصکفی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۵۳۲).

حنبلی: ابن قدامه حنبلی، وقف را «بازداشتن ریشه و استمرار بهره» معرفی کرده است (ابن قدامه، ۶۸۲ق، ج ۶: ۱۸۵).

زیدی: احمد مرتضی در تعریف وقف گفته: «بازداشتن چیز معین به صورت ویژه، همراه با نیت قربت» (احمد مرتضی، ۸۴۰ق، ج ۳: ۴۵۸).

شافعی: زکریا انصاری و برخی دانشمندان شافعی، وقف را چنین بیان کرده‌اند: «بازداشتن مالی که امکان انتفاع از آن با بقای عین وجود داشته باشد» (انصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۴۴۰؛ شربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۳۷۶، ملیاری هندی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۸۶).

مالکی: بزرگان فقیه در مذهب مالکیه، وقف را به معنای «بخشیدن منفعت چیزی تا زمان بقای

آن، که به صورت لازم محقق می‌شود» دانسته‌اند (حطاب رعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۶۲۶) و نیز برخی آنرا چنین تعریف کرده‌اند: «بازداشت عین برای بهره‌مندی دیگران از منفعت آن به صورت دائمی» (حطاب رعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ۶۲۶). اما انصاف این است که در بررسی روایات، چنین تعریفی یافت نمی‌شود؛ حتی برخی نکات در روایات آمده است که می‌توان آن را مخالف ادعای فقها دانست. در ادامه به بررسی روایات پرداخته می‌شود:

در دو حدیث مرسل آمده است که پیامبر (ص) فرموده است: «حَبَسَ الْأَصْلَ وَ سَبَّلَ الثَّمَرَ» (ابن ابی جمهور احسایی، ۱۴۰۵ق، جلد ۲: ۲۶۰) یا «حَبَسَتْ أَصْلُهُ وَ سَبَّلَتْ ثَمَرَتَهَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۴۷). شاید نخستین افرادی که در شیعه، وقف را این‌گونه تعریف کرده‌اند، با توجه به این دو حدیث مرسل بوده است یا گریته‌برداری از فقه اهل سنت بوده است. به هر حال تفاوتی بین این دو منشأ وجود ندارد، زیرا هر کدام منشأ این تعریف بوده‌اند، حجت شرعی ندارد. در مقابل این احادیث مرسل برخی روایات صحیح‌السند مطرح می‌گردد که با ظاهر تعریف متعارف مخالفت دارد:

«هر وقتی که دارای وقت معلومی باشد، بر ورثه واجب است مطابق آن عمل کنند و هر وقتی که زمانش مشخص نیست و برای مجهول وقف شده باشد، باطل است.»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۱۹: ۱۹۲). البته برخی خواسته‌اند به قرینه برخی روایات دیگر که «موقت» را به معنی «تعیین موقوف علیهم» دانسته است، (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، جلد ۱۹: ۱۹۲) این روایت را نیز به همان معنا بدانند؛ اما لازم به یادآوری است میان تعابیر این دو روایت، اختلاف وجود دارد، در روایت نخست «كُلُّ وَقْفٍ إِلَى غَيْرِ وَقْتٍ جَهْلٍ مَجْهُولٍ» آمده است و در روایت دوم «غَيْرَ مُوقَّتٍ» آمده است و آن معنی خاص برایش مطرح شده است. با توجه به این تغییر لفظ، بعید به نظر می‌رسد که روایت نخست نیز به همین معنا باشد، لذا روایت نخست باید در همان معنای خودش باقی بماند یعنی اگر مشخص نباشد این وقف تا چه زمانی است، کارایی ندارد؛ در واقع لازم است مؤبد بودن آن تعیین گردد اما این به معنای عدم تغییر اصل موقوفه نمی‌باشد.

خلاصه آنکه، تعریف اصطلاحی وقف در میان فقیهان، منشأ روایی ندارد، حتی در روایات

۱- أَنْ كُلِّ وَقْفٍ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ - فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى الْوَرِثَةِ - وَ كُلُّ وَقْفٍ إِلَى غَيْرِ وَقْتٍ جَهْلٍ مَجْهُولٍ - فَهُوَ بَاطِلٌ.

صحیح‌السند، برخی مصادیق و موارد وجود دارد که این تعریف را مخدوش می‌سازد. در ضمن فتوای برخی قدمای شیعه مانند سید مرتضی (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۵۵ و ۱۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۹۳) و ابویوسف از فقهای حنفیه (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۵۴۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۷۷، کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ۲۱۹) و ابن حاجب و خلیل از فقهای مالکی، (حطاب رعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۶۲۶) وقف موقت را نیز صحیح دانسته‌اند؛ در واقع حتی لازم نیست موقوفاتی که عین در آنها دوام دارد، به صورت دائمی وقف گردد. پس این دسته از فتاوی قدمای مسلمان نیز با تعریفی که در نسل بعدی فقها مطرح شده است، ناسازگار است و اعتبار تعریفی که در دوره‌های بعد به عنوان یک اصل پذیرفته شده مطرح می‌گردد را زیر سؤال ببرد. حتی با توجه به اینکه فقهای بسیاری شرط دوام در موقوف علیهم را پذیرفته‌ان، (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، جلد ۳: ۲۹۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، جلد ۲: ۳۷۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق، جلد ۲: ۲۱۶؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، جلد ۹: ۱۷) می‌توان ادعا کرد ایجاد این شرط دلیل قطعی ندارد و باید ادعا کرد، قید «حبس اصل» در تعریف فقها، لازم الاتباع نیست. حتی اگر تعریف اصطلاحی فقها را بپذیریم؛ باز هم وقف پول جایز است.

همچنین می‌توان بیان کرد با توجه به بحث مالیت پول می‌توان نتیجه گرفت که تغییر ارزش پول از ویژگی‌های نسبی پول به عنوان یک مال مثلی است و ضمان آور نیست (داوری و همکاران، ۱۳۷۴: ۷۶ تا ۸۰). همان‌طور که یک فرش وقف شده به مسجد در طول زمان در اثر استفاده مستهلک می‌شود و فرد یا افراد استفاده‌کننده از مال موقوفه از لحاظ فقهی ملزم به جبران استهلاک فرش مستهلک شده نمی‌باشند یا پولی که وقف شود و در طول زمان در اثر تورم از ارزش آن کاسته می‌شود (مستهلک می‌شود) الزامی به جبران ارزش از دست رفته آن نیست. لذا فرق اساسی و بنیادینی بین فرش موقوفه و پول وقفی وجود ندارند. بنابراین با همان ملاک، جبران کاهش ارزش پول موقوفه در طول زمان لازم نیست. در مورد شرط باقی ماندن عین مال موقوفه؛ می‌توان گفت همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، آنچه که برای پول امروزی اهمیت دارد بحث اعتبار پول است. بنابراین چنانچه فردی پول موقوفه را برای مدتی در اختیار بگیرد و در معاملات مضاربه‌ای از آن استفاده نماید و در نهایت همان میزان پول را برگرداند در واقع همان عین موقوفه را برگردانده است. پول حامل ارزش و اعتباری است که بر اساس قرارداد به آن داده شده است. ممکن است این اعتبار در شرایطی از آن گرفته شده و یا کاهش یابد. آنچه پول را در شمار اموال قرار می‌دهد،

همین ارزش و اعتبار است و نه شماره و نوع خاصی از اسکناس و یا شکل ظاهری آن. مثلاً هنگام تحولات اجتماعی که حکومت‌ها دگرگون می‌شوند و شکل حکومت‌ها عوض می‌شود، و در نتیجه شکل رایج پول یا حتی واحد پول نیز تغییر می‌کند هیچ فقهی یا مرجع قانونی همان پولی که قبلاً ظاهر و شکل خاصی داشته است را در پرداخت مطالبات معوقه مربوط به حکومت قبلی را مطالبه نمی‌کند؛ بلکه معادل ارزش اعتباری آن پول را در قالب و شکل جدید آن مطالبه می‌کند و این همان اعتباری است که آن پول داشته است. حتی اگر مدیون بخواهد از همان شکل پول‌هایی که قبلاً متداول بوده است و او قرض گرفته است رینش را پردازد؛ هیچ کس این عمل او را مبرر ذمه اش نمی‌داند. و از او خواسته می‌شود در قالب واحد پولی و شکل جدید پول عمل نماید. پس ظاهراً وقف پول با عموماً ادله‌ی وقف، سازگار است و اشکالی در وقف آن نیست.

۷-۱. جمع بندی نظرات وقف پول

در مجموع با بررسی ادله فقهی وقف پول، به دو شیوه وقف پول جایز می‌باشد: اولاً تعریف مصطلح وقف که حبس اصل و رها کردن منفعت باشد؛ دلیل فقهی معتبر ندارد. لذا ادله مطرح شده در بطلان وقف پشتوانه‌ی قوی ندارد. ثانیاً بر فرض صحیح بودن تعریف اصطلاحی؛ با توجه به ماهیت اعتباری پول جدید؛ به کارگیری پول وقفی از بین رفتن اصل مال موقوفه نمی‌باشد. بلکه به کارگیری آن همان استفاده کردن از منافع مال موقوفه است؛ درحالی که عین آن باقی است.

۸-۱. شیوه‌های بهره برداری از وقف پول

مدتی است که طرح تأسیس موسسه‌های مالی وقفی به منظور ارائه خدمات به افراد نیازمند، توسط محققان ارائه شده است. حال با توجه به توضیحاتی که در زمینه‌ی وقف پول داده شد وقت آن رسیده تا انواع شیوه‌هایی که وقف پول قابل اجرا خواهد شد مورد بررسی قرار گیرد.

الف: بانک وقف پول: بانک وقف پول نوعی از بانک است که پول‌های وقف شده را جمع آوری می‌کند و منافع آنرا در راهی که واقفان اعلام داشته اند به مصرف می‌رساند.

ب: صندوق وقف قرض الحسنه: این صندوق شکل دیگری از وقف پول است که در آن واقفان پول، مبلغی را برای قرض دادن به نیازمندان وقف می‌کنند. از منافع پول موقوفه این است که می‌تواند به بیماران، جوانان در حال ازدواج و کسانی که در شرایط نامناسب مالی هستند، با

قرض دادن یاری رساند. مسلماً با بازپرداخت قرض، اصل پول وقف شده در صندوق باقی خواهد ماند. در حالت کلی دو نوع صندوق وقف قرض الحسنه می‌تواند وجود داشته باشد: صندوق وقف قرض الحسنه خاص (که به افراد خاصی قرض می‌دهند و نمی‌توان منافع آن را به مصرف دیگران رساند) و صندوق وقف قرض الحسنه عام (که خدمات آن به همگان می‌رسد).

۹-۱. راه کارهای حفظ پول وقف شده

همان طور که پیش تر اشاره شد، از لحاظ فقهی الزامی جهت جبران کاهش ارزش پول وقف شده وجود ندارد. ولی با فرض اینکه جبران کاهش ارزش پول وقف شده الزامی می‌باشد، می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد. برای تامین مخارج و هزینه‌ها راه هایی وجود دارد:

- ۱- برداشت از سود مضاربه
 - ۲- کمک‌های مردم و سازمان‌های دولتی (به‌عنوان مثال وقف ساختمان بانک، کار رایگان در بانک و...)
 - ۳- کمک سازمان اوقاف یا موسسات دیگر در تامین ساختمان یا پرداخت هزینه‌ها
- با فرض الزام در جبران کاهش ارزش پول وقف شده، سودآوری سرمایه وقف شده لازم است. سودآوری سرمایه وقف پول به دلیل کاهش ارزش پول در اثر تورم است تا اصل پول در طول زمان ثابت بماند. ساده ترین راه؛ افزودن مقداری از سود پول به اصل آن است تا بقای آن را تضمین کند و یکی از مناسب ترین راهکارها برای به‌دست آوردن سود، انجام فعالیت‌های اقتصادی با پول‌های وقف شده می‌باشد. افزودن مقداری از سود پول به اصل آن، بقای آن را تضمین می‌کند (کسایی، ۱۳۸۴: ۲۵). به عبارتی سود برگشتی به بانک پس از کسر هزینه‌های بانک و پس‌انداز مبلغی برای حفظ ارزش پول در صورت تورم، به مصارفی که واقفان اعلام داشته‌اند، می‌رسد (احمد مهدی، ۱۳۷۸). حال اگر نرخ تورم از مقدار سود بیشتر شد چگونه ارزش پول حفظ می‌شود؟ در جواب می‌توان به این راه کارها اشاره کرد:

- ۱- بهره‌گیری از روش‌های جبرانی بانک‌ها و مؤسسات پولی متناسب با تشکیلات وقف پول.
- ۲- تجدید نظر در ادامه همکاری با وام‌گیرندگان، زیرا این ضرر متوجه آنها هم شده است و این نشانگر عدم وقوف آنها بر کار تجارت و پیش‌بینی‌های لازم از جمله تورم است. مگر آنکه تورم پیش‌بینی نشده باشد که در این صورت ضرر را باید پذیرفت.

۳- پیشگیری از زیان ناشی از برتری نرخ تورم بر سود از طریق اعمال پیش شرط تامین مابه-التفاوت از سوی وام گیرنده.

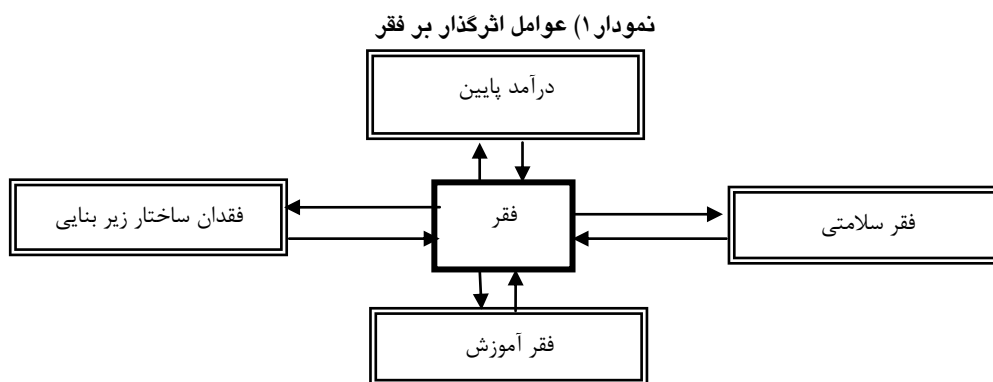
۲. آثار اقتصادی وقف پول

۲-۱. اثرات وقف پول بر فقر

فقر مشکل بسیاری از کشورهای جهان سوم است و اکثر جمعیت جهان در کشورهایی با درآمد پایین زندگی می کنند و از فقر رنج می برند. جمعیت کمی از جهان در کشورهای توسعه یافته زندگی می کنند اما در آنجا نیز مردم فقیر وجود دارند. راه های گوناگونی برای مقابله با فقر وجود دارد. یک روش کارا برای مبارزه با فقر در جامعه، وقف و خیرات است. وقف نقدی می تواند توزیع درآمد در جامعه را بهبود بخشیده و سلامتی و آموزش که جنبه های غیر، درآمدی هستند ارتقاء داده و دستیابی به امکانات فیزیکی، منابع و اشتغال را در جامعه افزایش دهد. برنامه توسعه ملت های متحده و دیگر سازمان های بین المللی که با مشکل فقر دست و پنجه نرم می کنند، از این راه های جدید برای کاهش فقر استفاده می کنند.

فقر در مقابل حقوق بشر قرار دارد که شامل حقوق اولیه برای غذا، سلامتی، لباس، پناهگاه، آموزش و اشتغال است. فقر یک پدیده ی چند بعدی است و فقط شامل درآمد پایین نمی شود. در این مقاله ویژگی های فقر به سه دسته تقسیم می شوند: ۱- سطح درآمدی پایین در جامعه ۲- عوامل غیر درآمدی مثل فقر بهداشت و سلامتی، نرخ سواد پایین ۳- عدم امکان دسترسی به فرصت هایی مثل امکانات فیزیکی، منابع و اشتغال.

در اینجا چهار متغیر در ارتباط با فقر انتخاب شده است که سطح درآمد، آموزش، بهداشت و ساختار زیربنایی نام دارند. این متغیرها با فقر یک ارتباط علیت دو طرفه دارند. فقر منجر به سطح پایین آموزش می شود و مردم فقیر به خاطر فقدان آموزش فقیر هستند. مردم فقیر سلامتی کمی دارند چون از غذا و مراقبت های بهداشتی محروم هستند و به دنبال آن بهره وری آنان به دلیل عدم سلامتی پایین است که این خود نیز منجر به فقر می گردد. به طور مشابه درآمد پایین مانعی برای کسب درآمد است که این نیز فقر را به وجود می آورد. بنابراین، این چهار متغیر ارتباطی دو طرفه با فقر دارند:



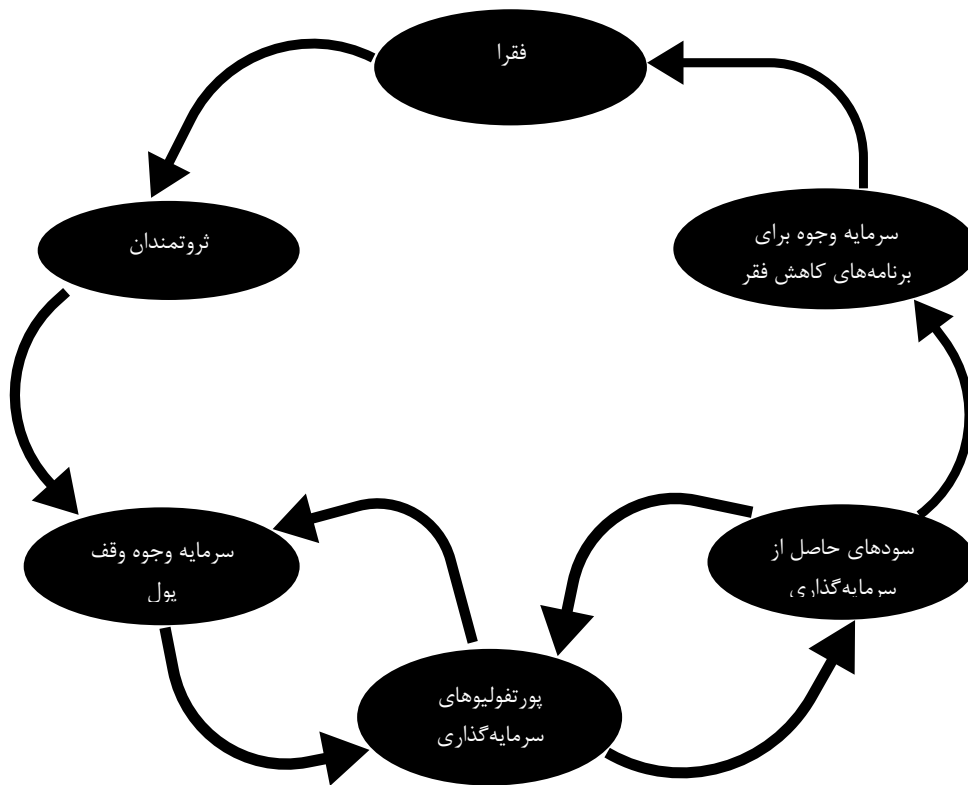
یک برنامه برای کاهش فقر باید این چهار متغیر را مخاطب خود قرار دهد و از طریق حل آنها فقر را در جامعه کاهش دهد. اگر مردم به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و زیرساخت‌های فیزیکی دست پیدا کنند انتظار می‌رود که فقر در جامعه کاهش یابد. از آنجایی که وقف از جمله وقف نقدی می‌تواند آثار قابل ملاحظه‌ای بر هر یک از این چهار متغیر کلیدی داشته باشد، می‌تواند ابزاری مهم برای کاهش فقر در جامعه باشد.

در بعضی از کشورها مدیریت صندوق وقفی به طور موثری فقر را کاهش داده و رفاه مردم را از طریق برنامه‌های اضافی برای آموزش و بهداشت، مسکن ارزان، برنامه‌های توسعه امکانات عمومی و از این قبیل، افزایش داده است (Masyita and coworkers, 2005: 2). هرچه سرمایه وقف شده بیشتری برای تأمین مالی‌های کسب و کارهای خرد تخصیص یابد، فقر با سرعت بیشتری کاهش می‌یابد (Masyita and coworkers, 2005: 26). بنابراین تأمین منابع مالی خرد به شکل وقف پول برای فقرا و نیازمندان نه تنها صدقه نیست، بلکه روشی برای تأمین و گسترش همان حقوق و خدمات برای خانوارهای کم‌درآمدی است که بسیاری از مردم جهان به طور معمول از آن حقوق برخوردار می‌باشند.

همان طور که قبلاً بیان شد در کنار وقف زمین و ساختمان، وقف نقدی نیز برای اهداف معینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقف نقدی توسط افراد ثروتمند برای اهداف خاصی تعیین می‌شود. وقف‌های نقدی جمع‌آوری شده برای سرمایه‌گذاری و وام دادن می‌تواند استفاده شود و پروژه‌های هدف توسط درآمد کسب شده تأمین مالی می‌شوند و باعث کاهش فقر در جامعه شوند. این اثر را

می‌توان در قالب نمودار زیر به تصویر کشید:

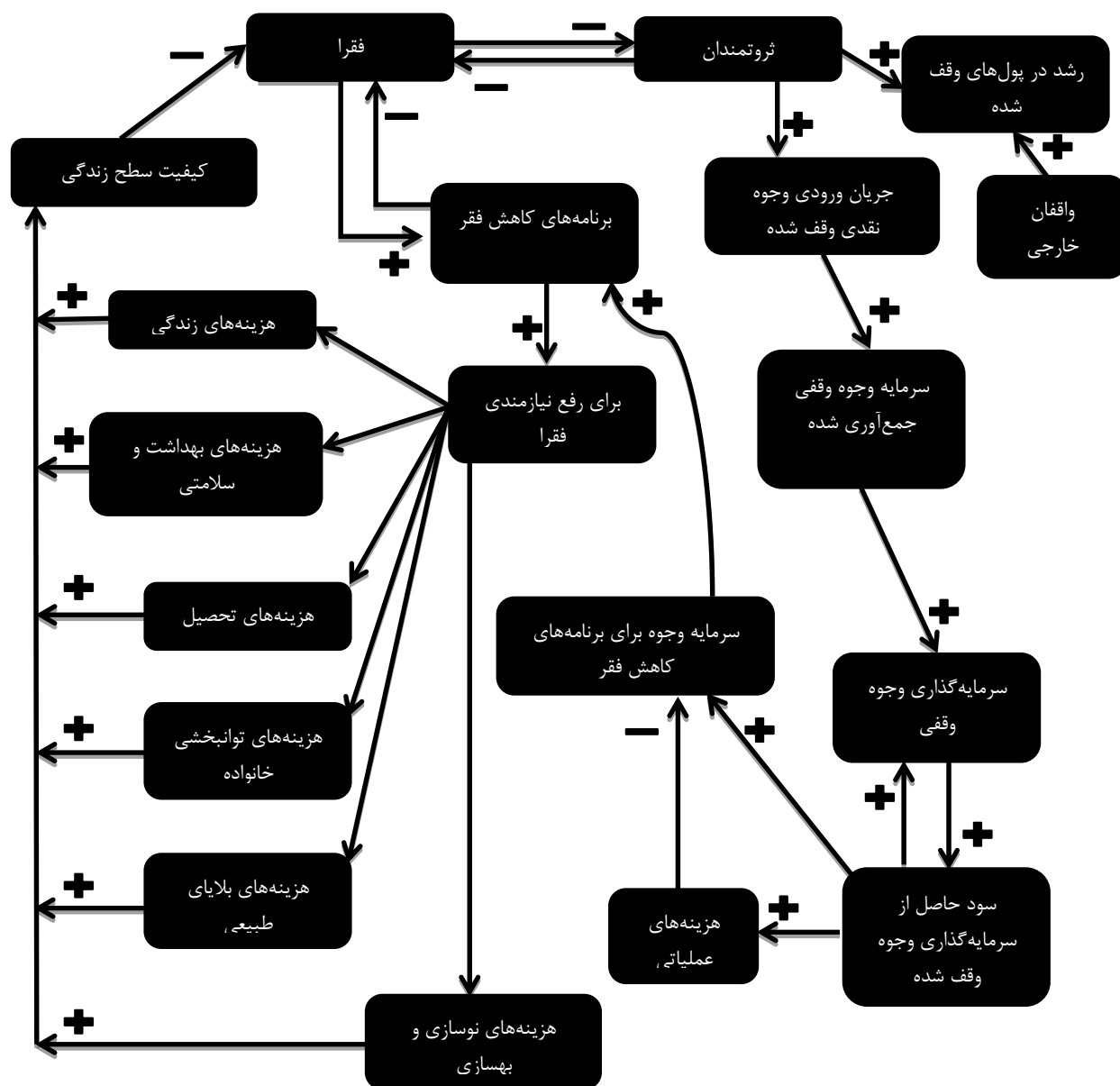
نمودار (۲): نمای کلی از عملکرد وقف پول در کاهش فقر



الگوی رفتاری ارائه شده در نمودار ۲ برای وقف پول را این گونه می‌توان تشریح کرد: وجود فقرا بر گروه ثروتمندان در جامعه اثر می‌گذارد. افراد ثروتمند (البته منظور همه‌ی این افراد در جامعه نیست) در پاسخ به مواجه شدن با وجود فقرا در جامعه با وقف پول خود در تشکیل سرمایه-ی وجوه وقفی سهیم می‌شوند. در گام بعدی این وجوه جمع شده در سبد متنوعی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری می‌شوند و سود حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها در جهت تأمین وجوه برای برنامه‌های کاهش فقر و سرمایه‌گذاری مجدد تخصیص می‌یابند. از مهم‌ترین اهداف وقف پول یا به طور کلی وقف، کمک به فقرا و اقشار کم درآمد در جامعه می‌باشد. از این رو

سود حاصل شده از سبدهای متنوع سرمایه گذاری از طریق برنامه‌های کاهش فقر مانند نیازهای اصلی و بنیادی، خدمات بهداشتی، بهسازی اصول بهداشتی، آموزش، قربانیان حوادث طبیعی یا بلایای طبیعی و غیره، بین فقرا توزیع می‌شود که در نمودار ۳ نشان داده شده است.

نمودار (۳): حلقه‌های علت و معلولی در بخش توزیع سود مدل وقف پول



۲-۲. اثرات وقف پول بر اشتغال

اشتغال یکی از اهداف کلان اقتصادی است و ارتقاء آن به سطوح نزدیک به اشتغال کامل از دغدغه‌های سیاست گذاران اقتصادی و دولت‌ها بوده است. در تمامی جوامع همیشه افرادی وجود دارند که سرمایه فکری لازم برای راه انداختن و تاسیس یک صنعت یا یک بنگاه اقتصادی^۱ را دارند و می‌توانند کارآفرین باشند و چندین نفر را به کار بگمارند اما به دلیل نبود سرمایه و پشتوانه مالی نمی‌توانند از بانک‌ها قرض بگیرند چرا که وام گرفتن از بانک‌ها نیاز به وثیقه داشته و چون آنها قادر به تامین وثیقه نیستند، از کسب درآمد محروم می‌شوند. افراد برای کسب شغل یا به استخدام در بخش دولتی یا خصوصی در می‌آیند یا جذب مشاغل آزاد می‌شوند. برای جذب در بخش خصوصی یا دولتی مستلزم سرمایه پولی یا مالی نمی‌باشد ولی برای جذب شدن در مشاغل آزاد یعنی مشاغلی که فرد کارفرمای^۲ خودش است نیاز به این نوع سرمایه نمایان می‌شود. شرایط کنونی جوامع نشان دهنده این است که از عوامل مهم و تاثیرگذار اولیه در فعالیت در مشاغل آزاد در کنار تجربه و اطلاعات کافی، تامین مالی برای افراد، حرف اول را می‌زند.

افراد می‌توانند وجوه مورد نیاز برای کسب کار آزاد را از طریق از قبیل پس انداز، کمک‌های مالی نزدیکان، به ارث بردن دارایی یا استقراض از موسسات مالی و اعتباری مثل بانک‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه تامین کنند. استقراض از موسسات پولی و مالی به شکل وام دارای شرایط خاص، کارمزد و بهره می‌باشد. از طرفی استقراض از این طریق به علت طی فرآیندهای اداری، زمان بر بوده و در بیشتر حالات نیازمند سپرده گذاری اولیه است. در مواردی که فرد مجبور است در کوتاه‌ترین زمان به سرمایه مورد نظر برسد ممکن است سراغ استقراض در شرایطی برود که سپرده گذاری اولیه نیازی نیست ولی در عوض متحمل نرخ بهره بسیار بالا مثلاً بالغ بر ۲۰٪ شود. حال که برقراری وقف پول از طریق ایجاد صندوق وقف پول یا بانک وقف پول امکان پذیر می‌باشد این اقدام می‌تواند بسیاری از این مشکلات را تقلیل دهد. به عنوان مثال اگر یکی از اهداف صندوق یا بانک وقف پول، دادن پول وقف شده به صورت وام بدون بهره با توجه به

1- Firm

2- Self employer

شرایط خاص فرد وام گیرنده باشد، این اقدام می‌تواند به روان سازی فرآیند رشد اقتصادی و گسترش مشاغل کمک کند، ضمن اینکه عدم وجود نرخ بهره در این نوع استقراض می‌تواند فشار تورمی را کاهش دهد. از طرف دیگر در دریافت وام از بانک‌های خصوصی و دولتی مشاهده می‌شود که توانایی بازپرداخت وام توسط وام گیرنده را مورد بررسی قرار می‌دهند و افرادی که توان مالی کمتری دارند معمولاً از دریافت وام محروم می‌شوند. بازپرداخت اقساط وام طبق شرایط بانک‌ها و موسسات پولی و اعتباری ممکن است متقاضی وام را تحت فشار قرار دهد که در نهایت یا فرد به علت ناتوان دیدن خود در پرداخت اقساط از دریافت وام خودداری کند. از آنجا که وام گیرنده هدف اصلی در کسب کار خود را سود می‌بیند پس صندوق وقف پول یا بانک وقف پول از این بابت که اصل پول را به همراه بخشی از سودی که حاصل از فعالیت اقتصادی فرد قرض گیرنده است، دریافت می‌کند، احساس نگرانی نخواهد کرد. از آنجا که وقف پول مانند سایر اقسام وقف در جهت اهداف خیر خواهانه است و دنبال کسب سود نیست مگر بابت جبران تورم، لذا اقساط پول قرض داده شده از وجوه وقفی می‌تواند براساس شرایط قرض گیرنده و این که در چه زمینه ای تمایل به فعالیت اقتصادی دارد، تعیین شود.

شناسایی افرادی که متقاضی دریافت وام از صندوق یا بانک وقف پول هستند باید از طریق فرم پر شده توسط متقاضی وام و درج اطلاعاتی از قبیل نوع شغلی که فرد تمایل به فعالیت در آن را دارد، میزان سرمایه ای که به طور فرضی برای شروع به کسب و کار در نظر دارد و همچنین محلی که فرد می‌خواهد آن کسب و کار را شروع کند و سایر اطلاعات دیگر از قبیل دارایی‌های فرد، صورت گیرد. به عبارتی کارشناسانی که می‌خواهند به فرد متقاضی وام دهند باید براساس این اطلاعات میزان پرداخت وام، اقساط و سهم سود بانک وقف پول را تعیین می‌کنند. نکته دیگر اینکه فرد متقاضی باید برای اطمینان خاطر به بانک یا صندوق وقف پول در پرداخت اقساط، با شرایطی مشابه شرایط دریافت وام از سایر موسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها روبرو است؛ مانند ارائه ضامن، چک ضمانت یا سفته یا تعهد محضری در بعضی موارد.

در نتیجه می‌توان ادعا نمود تاسیس نهاد وقف پول عامل بسیار مهمی در جلوگیری از تجمع ثروت در جامعه و عاملی در جهت برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی است و تاثیر شگرفی در کاهش فاصله طبقاتی دارد. در فرهنگ دینی، وقف در نقطه ی مقابل فقر قرار دارد. بنابراین گسترش وقف پول عامل مهمی در کاهش سطح فقر در جامعه می‌باشد. چرا که با از بین رفتن

تراکم ثروت، سرمایه در اختیار همه قرار گرفته و با بهره مندی از امکانات رفاهی، زمینه تکامل در تمامی ابعاد فراهم می‌گردد.

۳. جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده در مورد ادله صحت و بطلان وقف پول، می‌توان گفت از نظر فقهی مانع اساسی بر سر راه وقف پول وجود ندارد. به عبارت دیگر با بررسی ادله فقهی وقف پول، به دو شیوه وقف پول جایز می‌باشد، اولاً تعریف مصطلح وقف که حبس اصل و رها کردن منفعت باشد؛ دلیل فقهی معتبر ندارد. لذا ادله مطرح شده در بطلان وقف پشتوانه‌ی قوی ندارد. ثانیاً بر فرض صحیح بودن تعریف اصطلاحی؛ با توجه به ماهیت اعتباری پول جدید؛ به کارگیری پول وقفی از بین رفتن اصل مال موقوفه نمی‌باشد. بلکه به کارگیری آن همان استفاده کردن از منافع مال موقوفه است؛ در حالی که عین آن باقی است.

وقف پول در مقایسه با وقف اموال غیر منقول از امتیازات مهمی برخوردار است. از جمله این که پول در دسترس همگان است، قابلیت انتقال دارد و در مکان‌های متعدد قابل استفاده است. ویژگی تحول یافته، پول است که ماهیت مثلی آنرا آشکار می‌کند و باعث می‌شود مثل پول جانشین عین پول گردد و اصل پول باقی بماند. امکان وقف پول به شکل‌های پیشنهادی بانک وقف پول یا صندوق وقف قرض الحسنه امکان پذیر است. لذا با فراهم شدن زمینه وقف پول، خدمات گسترده آن می‌تواند به جامعه خصوصاً به محرومان برسد. در این صورت مشاهده خواهد شد که عده ای حتی با پول اندک می‌توانند در فراهم شدن مبالغی هنگفت سهم داشته باشند و از اصل سرمایه، گروهی که برای کار به سرمایه نیاز دارند بهره مند شوند و از منافع آن نیز محرومان سود ببرند.

امروزه پول‌های وقف شده علاوه بر اعطای اعتبار به افراد تهی دست و کسانی که سرمایه لازم را برای کسب و کار ندارند، نیز می‌توانند به شکل مضاربه و سرمایه گذاری استفاده شود و درآمد حاصل از آن برای امور خیریه مورد استفاده قرار گیرد. سازمان‌های وقف نقدی می‌توانند به این افراد وام داده و پس از مدتی اصل پول به موسسه برگردانده شود تا در امور دیگری صرف گردد. بنابراین از این طریق نیز درآمد جامعه بهبود یافته و یکی از متغیرهایی که در اثر گذاری بر فقر ذکر

شد، حل خواهد شد.

متأسفانه در ایران به رغم پشتوانه فرهنگی و انگیزه قوی دینی به دلیل برخی موانع موجود، از ظرفیت‌های بالقوه وقف استفاده نمی‌شود که می‌توان پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه کرد:

در شیوه برخورد با مقوله وقف باید بازنگری جدی صورت گیرد. چرا که با توجه به شرایط جوامع کنونی ارائه‌ی شیوه‌های جدیدی از وقف مانند وقف پول ضروری می‌نماید. مسائل فقهی مربوط به وقف با توجه به نیازهای جدید مورد بازنگری قرار گیرد و راه کارهای جدید ارائه شود.

با استفاده از تجربه‌های سایر کشورها و به خصوص با در نظر گرفتن برخی معافیت‌های مالیاتی و جوایز تشویقی، باید شکل‌گیری و فعالیت صندوق‌های وقفی به عنوان واحدهای خودگردان در جامعه نهادینه شود. بدیهی است که تشکیل چنین نهادهای خودگردانی، باعث خواهد شد که علاوه بر سپردن امور اجرایی به چنین موسسه‌هایی، دولت و مقام ناظر بتواند با آسودگی خاطر بیشتری به نظارت و شفافیت کارکرد هر کدام از نهادها پردازد. البته در صورت ایجاد تعداد زیادی از این نهادها، می‌توان هر یک از وظایف و انواع وقف را به نوع تخصصی این نهاد مالی واگذار کرد. برای مثال صندوق‌های وقفی پول، صندوق وقفی سهام و غیره می‌تواند شکل بگیرد.

منابع

۱. احمد مهدی، محمود؛ (۱۳۷۸)؛ **نقش بانک توسعه‌ی اسلامی در بهره‌وری موقوفات، وقف میراث جاودان، سال هفتم، شماره‌ی ۲۷**
۲. ایزد پناه، عبدالرضا، (۱۳۷۵)؛ **پول و پرسش‌های جدید فقهی، فقه اهل بیت، سال دوم، شماره‌ی ۷، ص ۲۰ و ۳۹**
۳. حائری، محمد حسن؛ (۱۳۷۸)؛ **وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، پایان‌نامه دکتري، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۴۱۵ و ۴۱۸**
۴. حائری، محمد حسن؛ عباسی، طیبه؛ (۱۳۸۶)؛ **بررسی فقهی وقف پول، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ششم، شماره ۱۹، ص ۷۸، ۷۹**
۵. حیدری، محمدجواد، (۱۳۷۶)؛ **احکام فقهی پول، فقه اهل بیت، سال سوم، شماره ۹، ص ۳۱ و ۴۲**
۶. چیزا کا، مراد؛ (۱۳۸۳)؛ **اوقاف در تاریخ و آثار آن در اقتصاد نوین اسلامی، ترجمه‌ی سید علی کسایی، وقف میراث جاویدان، شماره ۴۵، ص ۱۲ و ۱**

۷. داوودی، پرویز؛ میرجلیلی، سیدحسین؛ نظری، حسن؛ (۱۳۷۴)، **پول در اقتصاد اسلامی**؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، قم، چاپ اول، ص ۷۶ تا ۸۰
۸. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، جلد ۴۸، واژه‌ی وقف، ص ۲۳۴
۹. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، «**وقف در ترکیه**»، مجله‌ی وقف میراث جاویدان، شماره‌ی ۱۰
۱۰. رحمانی، تیمور؛ (۱۳۸۵)؛ **اقتصاد کلان**، انتشارات برادران، تهران، جلد دوم، ص ۲۰۷
۱۱. سعادت فر، جواد؛ (۱۳۸۵)؛ **امکان سنجی فقهی وقف پول**، مجله وقف، میراث جاویدان، سال چهاردهم، شماره ۵۴، ص ۲۴، ۲۸
۱۲. سلیمی فر، مصطفی؛ (۱۳۸۷)؛ **وقف بستر ساز توسعه‌ی اقتصادی**، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، جلد ۲، ص ۱۱۱
۱۳. شادپی، محبوبه؛ ناصحی، مهدی؛ (۱۳۸۷)؛ **بانک وقف پول (فرصت‌ها و چالش‌ها)**، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، جلد دوم، ص ۱۴۲
۱۴. عباسی، طیبه؛ (۱۳۸۵)؛ **بررسی فقهی و حقوقی وقف پول و اوراق بهادار و سرمایه گذاری در اوقاف**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ص: ۱۱۳، ۹۹، ۷۳، ۳۸
۱۵. کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۲)؛ **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، تهران: میزان، چاپ ششم، ص ۹، ۱۰، ۵۱
۱۶. کسایی، سید علی؛ (۱۳۸۴)؛ **وقف پول**، مجله وقف، میراث جاویدان، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ص ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۲۱
۱۷. گلپایگانی، سیدمحمد رضا، (۱۴۰۹ق)؛ **مجمع المسائل (للکلبایگانی)**، ۵ جلد، قم: دارالقرآن-الکریم، چاپ دوم، جلد ۲، ص ۳۴۹
۱۸. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۶۴)؛ **ربا، بانک، بیمه**، انتشارات صدرا، تهران، ص ۱۷۷
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)؛ **استفتاءات جدید (مکارم)**، ۳ جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، جلد ۲، ص ۴۳۵، جلد ۳، ص ۳۱۳
۲۰. ملکوتی فر، ولی الله؛ (۱۳۸۰)؛ **بررسی تطبیقی تعریف وقف، وقف نقود و شرایط موقوفه**، وقف، میراث جاویدان، شماره‌ی ۳۴ و ۳۳، ص ۱۴۴

۲۱. ملکوتی فر، ولی الله (۱۳۸۴)؛ امکان سنجی وقف پول مبتنی بر فقه شیعه، مجموعه مقالات وقف در بازار سرمایه، ص ۳۵
۲۲. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)؛ فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات، پژوهشکده‌ی پولی و بانکی، ص ۱۵۳
۲۳. یوسفی، احمد علی؛ (۱۳۷۷)؛ پول جدید از دیدگاه اندیشمندان، مجله‌ی فقه اهل بیت، سال چهارم، شماره‌ی ۱۶، ص ۱۴۹
۲۴. پایگاه اینترنتی ویکی‌پدیا؛ تعریف پول (<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D9%88%D9%84>)

عربی

۲۵. احمد مرتضی، احمد بن عبدالله جنداری، (م ۸۴۰ق)؛ شرح الأزهار المنتزع المختار من الغیث المدرار (فقه زیدی)، انتشارات غمضان، صنعاء، یمن، جلد ۳، ص ۴۵۸
۲۶. انصاری، زکریا بن محمد (۱۴۱۸ق - م ۹۳۶ق)؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب (فقه شافعی)، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، جلد ۱، ص ۴۴۰
۲۷. ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق)؛ عوالی اللئالی العزیزة، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر، قم - ایران، اول، جلد ۲، ص ۲۶۰
۲۸. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۴۰۹ق)؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ اول، جلد ۴، ص ۳۷۳
۲۹. ابن ادریس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ق - م ۵۹۸ق)؛ السرائر (فقه شیعه تا قرن هشتم)، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، جلد ۲، ص ۳۷۹، ۴۷۵ و ۴۷۹، جلد ۳، ص ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۲
۳۰. ابن حمزة طوسی، عماد الدین ابو جعفر محمد بن علی، (۱۴۰۸ق - م ۵۶۰ق)؛ الوسيلة إلى نیل الفضيلة (فقه شیعه تا قرن هشتم)، شیخ محمد حسون، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ص ۳۶۹ و ۳۷۰
۳۱. ابن عابدین، محمد امین، (۱۴۱۵ق - م ۱۲۵۲ق)؛ حاشیة رد المحتار علی الدر المختار (فقه حنفی)، دار الفکر، بیروت، جلد ۴، ص ۵۴۵
۳۲. ابن قدامه، عبد الرحمن (م ۶۸۲ق)؛ الشرح الكبير علی متن المقنع (فقه حنبلی)، دار الکتب العربی، بیروت، جلد ۶، ص ۱۸۵

٣٣. ابن نجيم المصرى، زين الدين بن ابراهيم بن محمد (١٤١٨ق - م ٩٧٠ق)؛ **البحر الرائق فى شرح كنز الدقائق (فقه حنفى)**، شيخ زكريا عميرات، منشورات محمد على بيضون و دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، جلد ٥، ص ٣١٣
٣٤. اسماعيل پاشا، (١٩٥١م)؛ **هدية العارفين**، دار إحياء التراث العربى، بيروت، جلد ١، ص ٧٤٨
٣٥. بحراني آل عصفور، حسين بن محمد، (١٤١٠ق)؛ **الأنوار اللوامع فى شرح مفاتيح الشرائع (للفيض)**، مجمع البحوث العلميه، قم، چاپ اول، جلد ٣، ص ٢٨٠
٣٦. بحراني، يوسف، (١٤٠٥ق)؛ **الحدائق الناضرة**، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، جلد ٢١، ص ٦١٠
٣٧. تبريزى، جواد بن على، (١٤٢٦ق)؛ **منهاج الصالحين (للتبريزى)**، مجمع الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه)، قم، چاپ اول، جلد ٢، ص ٣١٠
٣٨. حاجى خليفه، (١٤٠٠ق)؛ **كشف الظنون**، دار إحياء التراث العربى، بيروت، جلد ١، ص ٢١٤، جلد ٢، ص ١٠١٧
٣٩. حرّاملى، محمد بن حسن، (١٤٠٩ق)؛ **وسائل الشيعه**، ٢٩ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، جلد ١٩، ص ٢٠٢، ١٩٨، ١٩٢، ١٧٤
٤٠. حسيني شيرازى، سيد صادق، (١٤٢٥ق)؛ **التعليقات على شرائع الإسلام**، انتشارات استقلال، قم، چاپ ششم، جلد ١، ص ٤٥٧
٤١. حصكفى، محمد علاء الدين، (١٤١٥ق - م ١٠٨٨ق)؛ **الدر المختار فى شرح تنوير الابصار (فقه حنفى)**، دار الفكر، بيروت، جلد ٤، ص ٥٣٢
٤٢. خطاب رعينى، محمد بن محمد (١٤١٦ق - م ٩٥٤ق)؛ **مواهب الجليل فى شرح مختصر الخليل (فقه مالكي)**، دار الكتب العلميه، بيروت، نخست، جلد ٧، ص ٦٢٦
٤٣. حكيم، سيد محسن، **نهج الفقاهه**، انتشارات ٢٢ بهمن، قم، جلد ١، ص ١٣٩
٤٤. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، (١٤٢١ق)؛ **التحريرو**، مكتبه الرضويه لإحياء الاثر الجعفريه، بى تا، جلد ٣، ص ٣١٢
٤٥. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، **تذكرة الفقها**، مكتبه الرضويه لإحياء الاثر الجعفريه، بى تا، جلد ١، ص ٥١٠
٤٦. حلى، مقداد بن عبد الله سيورى، (١٤٠٤ق)؛ **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع**، ٤ جلد، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى - ره، قم، چاپ اول، جلد ٢، ص ٢٥٧
٤٧. حلى، يحيى بن سعيد، (محرم الحرام ١٤٠٥ق - م ٦٨٩ق)؛ **الجامع للشرائع (فقه شيعه تا قرن**

- هشتم)، سید الشهداء، قم، ص ۳۶۹
۴۸. خمینی، روح الله، (۱۴۲۲ ق)؛ استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد ۲، ص ۴۴۵
۴۹. خمینی، روح الله، (۱۴۲۱ ق)؛ کتاب البیع، موسسه‌ی اسماعیلیان، قم، چاپ اول، جلد ۱، ص ۳۳۳، ۵۵۹
۵۰. خمینی، روح الله، (۱۰۴۸ ق)؛ تحریر الوسیله، انتشارات موسسه‌ی مطبوعات دارالعلم، قم، چاپ دوم، بی تا، جلد ۲، ص ۷۰
۵۱. سرخسی، شمس الدین، (۱۴۰۶ ق - م ۴۸۳ ق)؛ المبسوط (فقه حنفی)، دار المعرفه، بیروت، جلد ۱۲، ص ۲۷
۵۲. سمرقندی، علاء الدین، (۱۴۱۴ ق - م ۵۳۹ ق)، تحفه الفقهاء (فقه حنفی)، دار الکتب العلمیه، بیروت، دوم، جلد ۳، ص ۳۷۷
۵۳. شربینی، محمد بن أحمد، (۱۳۷۷ ق - م ۹۷۷ ق)؛ مغنی المحتاج (فقه شافعی)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، جلد ۲، ص ۳۷۶
۵۴. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۴ ق)؛ الدروس الشرعیة، قم، موسسه‌ی النشر الاسلامی، چاپ اول، جلد ۲، ص ۲۶۹
۵۵. شهید ثانی، زین الدین، (۱۴۱۴ ق)؛ مسالک الافهام، موسسه‌ی المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، جلد ۵، ص ۲۱۲
۵۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق - م ۴۶۰ ق)؛ المبسوط فی فقه الإمامیه (فقه شیعه تا قرن هشتم)، المرتضویة لإحياء آثار الجعفریة، قم، جلد ۳، ص ۲۵۰، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۸۶
۵۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۰ ق)، حاشیة المکاسب، موسسه‌ی اسماعیلیان، قم، ص ۹۹.
۵۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۵ ق)؛ تکملة العروة الوثقی، ۲ جلد، کتابفروشی داورى، قم، چاپ اول، جلد ۱، ص ۲۰۶، جلد ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰
۵۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۴۰۸ ق)؛ مجمع البحرین، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم، ص ۵۳۵
۶۰. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق)؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم، جلد ۹، ص ۱۷
۶۱. فخرالمحققین، محمد بن حسن، (۱۳۸۸ ق)؛ ایضاح الفوائد، موسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ

- اول، جلد ٢، ص ٣١٩
٦٢. قرآن کریم، آل عمران آیه ٩٢؛ بقره آیه ١٧٧؛ مزمل آیه ٢٠
٦٣. کاشانی، ابوبکر، (١٤٠٩ق-م ٥٨٧ق)؛ **بدائع الصنائع (فقه حنفی)**، انتشارات حبیبیه، پاکستان، جلد ٦، ص ٢١٩
٦٤. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، (١٤٠١ق)؛ **مفاتیح الشرائع**، ٣ جلد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، چاپ اول، جلد ٣، ص ٢٠٨
٦٥. کاشف الغطاء، عباس بن علی، (١٤١٠ق)؛ **المال المثلی و المال القیمی فی الفقه الإسلامی**، مؤسسه کاشف الغطاء، ص ١٤
٦٦. گلپایگانی، سید محمد رضا، (١٤٠٩ق)؛ **مجمع المسائل (للکلبایگانی)**، ٥ جلد، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ دوم، جلد ٢، ص ٣٤٩
٦٧. مازندرانی، علی اکبر سیفی، (١٤٢٠ق)؛ **دلیل تحریر الوسیله - الوقف**، ص ٣٠٥
٦٨. محقق حلّی، ابو القاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (١٤٠٩ق)؛ **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (فقه شیعه تا قرن هشتم)**، انتشارات استقلال، تهران، چاپ دوم، جلد ٢، ص ٢١٦ و ٤٤٢
٦٩. محقق حلّی، ابو القاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (١٤٠٢ق-م ٦٧٦ق)؛ **المختصر النافع (فقه شیعه تا قرن هشتم)**، مؤسسه بعثت، تهران، چاپ دوم، ص ١٥٦
٧٠. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (١٤٠٣ق)؛ **مجمع الفائده والبرهان**، قم، جامعه المدرسین، جلد ٨، ص ٣٠١، جلد ١٠، ص ٢٢
٧١. ملیاری هندی، زین الدین، (١٤١٨ق-م ٩٨٧ق)؛ **فتح المعین لشرح قره العین بمهمات الدین (فقه شافعی)**، دارالفکر، بیروت، جلد ٣، ص ١٨٦
٧٢. نجفی، محمد حسن، (١٤٠٩ق)؛ **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ٤٣ جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، چاپ هفتم، جلد ٢٧، ص ٣٠٢، جلد ٢٨، ص ١٩
٧٣. نوری، میرزا حسین، (١٤٠٨ق-م ١٣٢٠ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (مصادر حدیث شیعه - فقه)**، ١٨ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت - لبنان، چاپ اول، جلد ١٤، ص ٤٧

لاتین

74. Ahmed, Habib, (2004) **Role of Zakah and Awqaf in Poverty Alleviation**,

- Islamic research and training institute, PP:42,127*
75. Cizakca, Murat;(2004); **Incorporated cash waqfs and Mudaraba, Islamic non-Bank Financial Instruments from the Past to the Future;** *Paper submitted during the International Seminar on Non-bank Financial Institutions, Kuala Lumpur, Jan. 26-28, 2004.PP 2,3*
 76. Cizakca, Murat;(1998); **Awqaf in History and It's Implication for Modern Islamic Economics** , *Islamic Economic Studies, Vol 6, No.1, November ,PP53-60*
 77. Keles, H., (2001) **A Study on the Processing Manner and the Economic Results of Charters of Money Waqf in the 19th Century in the Ottomans,** *G.U. Gazi Egitim Fakültesi Dergisi Cilt 21, Sayı:1, PP:190*
 78. Lahsasna, Ahcene;(2010); **The Role of Cash Waqf in Financing Micro and Medium Size Enterprises (MMES);** *Seventh International Conference–The Tawhidi Epistemology : Zakat and Waqf Economy, Bangi 2010, PP 98, 108, 110, 112, 114*
 79. Masyita, Dian; Tasrif, Muhammad; Suryadinata Telaga, Abdi ;(2005); **A Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of The Alternative Instruments for The Poverty Alleviation** ;*Submitted to The 23rd International Conference of The System Dynamics Society Massachussets Institute of Technology (MIT), Boston, July 17-21, 2005, PP 1 to7 and 23 ,26*
 80. Mandeville, Jon E (1979) **Usurious Piety: The Cash Waqf Controversy in the Ottoman Empire.** *International Journal of Middle Eastern Studies 10,P:290*
 81. Torman, Chengiz; Tuncsiper, Bedriye; Yilmaz, Sinan; (2004) **Cash awqaf in the ottomans as philanthropic foundations and their accounting practices,** *Balikesir University of TURKEY, PP:6*

Received: 3 Apr 2012

Accepted: 12 Aug 2012